

## نگارشی از سخی صمیم.

افکار و نظریات این قلم انفرادی و منحصر بفرد بوده - اجابتش  
اختیار است:

\*\*\*

## یارب مباد آنکه خشم طبیعت زمینه ساز استفادهٔ سؤ و بیرحمی انسان گردد:

خشم بیرحمانهٔ طبیعت را بطور عینی و مستند دیدیم: منظورم در عصر کنونی همین زلزلهٔ اخیر در ترکیه و سوریه و در این اواخر به افغانستان و ممالک همجوار که بگونهٔ هولناک، بیرحمانه و ظالمانه بوقوع پیوست و سبب قتل ده ها هزار انسان و ضرر مالی و جانی بلند تر از تصور گردید این همان خشم و بیرحمی طبیعت است که از آن تذکر رفت ولی؛ این وضع هولناک غیبی ترحم انسان را بر انگیخت و وجدان افراد روشن ضمیر را بیدار ساخت و همین انسانهای با ایمان و نیک سیرت بطور انفرادی و یا جمعی با امکانات و وسایل خرد و بزرگ بدست داشته به محل شتافتند و با دیده اشکباران به کمک مادی، معنوی و فزیک شتافتند هوای سرد طاقت فرسا و فضای نامناسب برایشان اثر نگذاشت و در ارادهٔ آنها تغییری نیامد:

بلی ما درک کردیم که این حوادث هولناک گذشته با سابقه و یابی سابقه چه پی آمدی با خود آورد و چه عبرت و تجاربی قابل توجهی به سایر انسانهای در حال حیات اجتماعی و زندگی بشریت گوشزد و به نمایش گذاشت انسانها عملن طور زنده با نصب العین مستند مشاهده کردند که متصل بوقوع این مصیبت احساسات چگونه تحریک و در مقابل چشمان شان چه گذشت و افراد بشر در مقابل آن چه عکس العمل وچی واکنشی داشتند. -

انسانها و بشریت در اعصار مختلف شاید تجارب چنین حوادث را که از نگاه ماهیت با وقایع این مصیبت طبیعت همسان و همردیف گردد دیده باشند، مگر نکتهٔ اساس و حساس این است که در این حالت دوزخی و وضع جهنمی و دنیای پر آشوب و وظیفهٔ بشر و انسان چیست و تاهنوز این نسل انترنیت و کمپیوتر در مقابل این حوادث هولناک چی عکس العملی داشته و چی کرده اند؟ چی احساسی برای شان دست داده است؟

آیا جامعهٔ جهانی و انسانهای با احساس هم در برابر این حوادث و خشم طبیعت بی تفاوت بوده و عکس العملی نداشته اند؟

نه بلکه برخلاف تصور آنها تا توانستند متناسب به قدرت مالی و فزیک خود برای کمک شتافتند و آنچه و جوب قدرت شان بود دریغ نکردند که نصب العین همگان شد

جان سخن اینجاست که: در میهن نیمه جان و مجامع داخلی و بین المللی وضع و حال افغانستان آوارهٔ مابا شرایط ناگوار گذشتهٔ کنونی کمتر از این حوادث طبیعی نبوده بلکه همسان با آن میتواند در یک لست قرار گیرد - یاد آوری باید کرد که اگر طبیعت با این بیرحمی بدون

تشخیص به انسان و حیوان رحمی نکرد همه را با مال و منال آن نابود ساخت - بحر و دریا هم با انسانهای استفاده جو و جنایتکار دست بهم دادند مرد و زن و طفل و پیر و جوان آواره سیاه روز افغان را بیرحمانه بلعیدند و طعمه و غذای نهنگ و حیوانات بحری ساختند اشتباه نباید کرد که ما در یک لست سیاه و آمار و ارقام انتقاد آمیز همه را یکسان گنهکار نمی پنداریم زیرا در حوادثی که تذکر یافت و وطن ما با آن حال فلاکتبار به اسکلیت و رمق بیخون تبدیل شده است که انسانهای با وجدان و با رحم اگر شامل جوامع بیرونی بودند و یا ممالک خارجی بر علاوه نهاد ها و اشخاص مستقل خیراندیش و دلسوز در برابر این مُلک بحال نزع بی تفاوت نماندند و کمکهای فراوانی را ارزانی داشتند و بمردم بیجان رمق زندگی بخشیدند

ولی اندیشه بسیار خطر ناک و مخوفی هم وجود داشته و دارد که مبادا کسانی پیدا شوند که همه واجبات دینی، اخلاقی و شرف بشری خویشرا پامال نموده و درچنین حالت برزخی دنیا دست به کفن کشی زده لقمه های نان کُمکی را از دهن اطفال نیمه جان و زنده های شبیه مردگان ربوده و دست به جنایت و خیانت نا بخشودنی بزنند و شدید تر از ظلم زمستان که منفی سی و شش درجه را نشان می داد در زمان این واقعات بی سابقه و حوادث طبیعت بر آنها ظلم نا روا دارند و یا به این سان عمل نمایند، اگر با صراحت بگوییم که کمک های بشر دوستانه رسمی و غیر رسمی را از طُرق ممکن بابی رحمی و ظالمانه ببلعند و در آن دستبرد زنند و این حالت دوزخ گونه روی زمین را که مردم در آتش درد جسم و بدن از سردی و گرمی می سوزند به نفع و منفعت شخصی و یا گروهی و یا نوع دیگری بکار برند

علاج واقعه را قبل از وقوع نماییم و وقایع انجام یافته را قابل بازخواست بدانیم .

با حرمت سخی صمیم